

## فقه حکومتی، حلقه گم شده سند تمدن اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر ایمان باستانی فر<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از چالش‌های بشر در عرصه تمدنی، تقابل میان علم، دین و سیاست است. با وجود تمایل به جداسازی علم از دین در غرب، خصوصاً بعد از رنسانس، همچنان، تلاش برای تولید علم، متأثر از آموزه‌های تلمود<sup>۲</sup> وجود دارد. مسلماً عدم تبیین صحیح از ارتباط میان دین، علم و سیاست، با رویکرد پاسخ با مسایل نوین حکومتی و توجه به فقه حکومتی (به عنوان پیوند دهنده، فقه، علم و سیاست) که از دغدغه‌های مقام معظم رهبری است، منجر به فرآورده‌های قابل قبول و قابل اطمینان برای نظام و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نخواهد شد. از آنجا که مبانی دین شناختی، به انعطاف پذیری فقه اسلامی و همچنین در تدابیر سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به کرات به مساله تولید علم و نظریه پردازی تاکید شده، معرفی یک الگوی روش‌شناسانه در این زمینه می‌تواند گامی جهت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد. در این راستا جای خالی فقه حکومتی به عنوان عنصر پیوند دهنده علم، دین و سیاست در سند تمدن اسلامی ایرانی پیشرفت مشهود است. در این تحقیق در ابتدا تجارب غرب در خصوص تولید علم مبتنی بر ریشه‌های دین یهود و تلمود بیان می‌شود. سپس با تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری، یک الگویی مفهومی از ارتباط میان فقه علم و سیاست مرتبط با مسایل مستحدث جهت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه و تبیین‌های مختلفی از فقه حکومتی در این الگو ارائه می‌شود.

**واژگان کلیدی: علم، دین و سیاست، فقه حکومتی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.**

### مقدمه

اگر چه در طول تاریخ بشر، خصوصاً از قرون وسطی، میان دین و علم تعارض‌هایی وجود داشته و این مساله در عصر روشنگری منجر به جداسازی علم از دین شده است (سوزنچی، ۱۳۹۳، ۱۳)، اما تلاش برای دستیابی به علم دینی در اندیشه‌ی دانشمندان یهودی (و حتی صهیونیسم) و استفاده از تلمود<sup>۳</sup> (به عنوان مهمترین کتاب دینی یهودیان و صهیونیسم) در تولید علم دینی همچنان پابرجاست. این مساله به گونه‌ای پیش‌رفته که حتی در علوم پایه و به

<sup>۱</sup> استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، i.bastanifar@ase.ui.ac.ir

<sup>۳</sup> «تلمود» یعنی تعلیم دیانت و آداب یهود، مهمترین کتاب مذهبی یهود است که در بردارنده‌ی تفسیرهای خاخام‌های یهودی از تورات است که در موارد متعددی تفسیرهای خوسرانه و انحرافی است. جهت توضیح بیشتر به پاورقی ۱۵ از مقاله‌ی زیرتالیف Geva مراجعه شود:  
Talmud The Monetary Legal Theory Under the Talmud, (2008).

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران؛ چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

صورت خاص، منطق فازی<sup>۴</sup> ریاضی را هم متأثر از تلمود می‌دانند (شاپیرا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). قطعاً رویکرد تولید علم از منظر طرفداران تلمود به عنوان زیر بنای شکل‌دهی سیاست و تحقق تمدن مبتنی بر برتری قوم یهود، با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از منظر دغدغه‌های مقام معظم رهبری متفاوت خواهد بود.

مسئله‌ی جداناپذیری ارتباط علم و دین در اندیشه‌های مقام معظم رهبری نیز مستتر است. ایشان، صراحتاً، نه تنها جدایی دین از علم را نمی‌پذیرند، بلکه عامل اقتدار مسلمانان در جهان در دوره‌هایی از تاریخ را به سبب پیوند دقیق علم و دین می‌دانند. به طور مثال ایشان فرموده‌اند:

"..... امروز نظرات خوارزمی در ریاضیات، یا نظرات ابن سینا در طب، نظرات منسوخ شده‌ای نیست؛ نظراتی است که بر اساس آنها نظراتی آمده، لیکن نسخ نشده است؛ نظرات باطل شده‌ای نیست؛ نظرات صحیحی است که البته تکمیل شده است. همه‌ی اینها از کجا ناشی شده‌اند؟ از دین اسلام ناشی شدند؛ یعنی آن عامل اصلی که توانست مسلمین را به این اوج علمی برساند، دین اسلام بود....." (مقام معظم رهبری، ۷۰/۱۱/۱۵).

رهبر معظم انقلاب با نقد علوم انسانی غربی و تأکید بر استخراج مبانی علوم انسانی از قرآن و تعالیم اسلامی اینگونه فرمودند:

"مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است، در حالی که پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد... اگر این کار انجام شود، پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از برخی پیشرفتهای علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کنند." (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

اما از سوی دیگر معظم له تأکید دارند که باید فقه، بتواند راه‌های اداره زندگی را با توجه به مسایل موجود در جهان پاسخگو باشد. در این خصوص، ایشان فرموده‌اند:

"... امروز، فقه ما باید به احکام معاملات به خوبی برسد (بپردازد)؛ احکام اجاره را به شکل جهانی، خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادها را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از اینها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه‌ی ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - می‌تواند علی‌الفرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم، تا راههایی را برای اداره‌ی زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید، و هم از لحاظ روش. همین روش فقاهتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرها را نو روی آن کار بکنند، تا این‌که بشود کارایی بیشتری به آن داد" (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

بنابراین، در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری تأکید و ارتباط میان علم و فقه با توجه به رویکرد اداره‌ی زندگی مستتر است. اما از آنجا که در مبانی دین شناختی سند به انعطاف پذیر فقه اسلامی در پاسخ به نیازهای نوشنده زمانی و مکانی تأکید شده و همچنین به کرات در بند های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۳ به اهمیت علم، نظریه

پردازي و تحقق عدالت در ساختار نظام قانون بانكي با ايجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی و ... تاکید شده ارائه یک الگوی روش شناسی متأثر از اندیشه ایشان در تحلیل مسایل نوین می تواند زمینه ساز تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شود.

این مقاله، در چهار بخش تدوین شده است. بخش اول مطالعات و تجاربی از پیوند علم دینی با سیاست و با تاکید بر بخش پولی و بانکی (به دلیل اشاراتی در خصوص تدبیر سند و چالش های کنونی این بخش از اقتصاد کشور) بیان می شود. در بخش دوم، ارتباط میان فقه و علم در حل مسایل نوین از منظر مقام معظم رهبری بیان و در بخش سوم، ارتباط میان فقه و تولید علم و سیاست بیان و در بخش چهارم، روش شناسی فقه حکومتی در تحلیل مسایل مستحدثه و در بخش پنجم جمع بندی و پیشنهادات ارائه می شود.

### ۱- مطالعات و تجاربی از علم دینی با تاکید بر بخش پولی و بانکی

پتینکین<sup>۶</sup> (۱۹۶۵) استاد دانشگاه هبروی<sup>۷</sup> اورشلیم<sup>۸</sup> در فصل اول کتاب پول، بهره و قیمت ها، برای بیان یک اقتصاد مبادلاتی که در آن چیزی به عنوان پول شکل نگرفته، فرض می کند که در طول هفته، از آغاز صبح دوشنبه تا عصر دوشنبه توزیع کالا میان افراد برای یک هفته صورت می گیرد و پس از آن دیگر توزیع صورت نمی گیرد. یعنی درآمد و روزی افراد یک روز توزیع می شود ولی یک هفته آن را مصرف می کنند. در واقع، درآمد افراد به صورت کالایی و هفتگی توزیع ولی مصرف همیشه وجود دارد. در ادامه، به نقش پول، به عنوان ابزار تسریع کننده مبادله میان گروه هایی که مازاد کالا دارند اشاره می کند. اما منطق فرض توزیع کالا را استناد به دورانی می کند که مانده های آسمانی به قوم بنی اسرائیل در بیابان و در زمان حضرت موسی (ع) توزیع می شده است. این منطق بعدها در تصریح دنباله های ریاضی برای الگوهای تصادفی رشد اقتصادی و نظریه ی اقتصاد کلان بازگشتی<sup>۹</sup> به کار گرفته شده است.<sup>۱۰</sup>

آمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵ و ۱۹۸۲)، اقتصاددان یهودی و برنده ی جایزه ی نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۵ و استاد دانشگاه هبروی اورشلیم، در مطالعاتی به تحلیل مساله ی ورشکستگی در بانکداری متعارف و ارزیابی معیاری جهت توزیع دارایی های بانک های ورشکسته بر اساس تلمود، پرداخته است.<sup>۱۲</sup> در این تحقیق، ضمن تعریف و تمجید از تلمود، بر اساس مثال

6 Patinkin  
7 Hebrew University  
8 Jerusalem

9. recursive Macroeconomic Theory

۱۰ برای توضیحات بیشتر در خصوص شکل دنباله های ریاضی در قالب دنباله های ریاضی خانوار زوج و فرد به فصل ۲۴ کتاب Recursive Macroeconomics، تحت عنوان credit and currency، تالیف لینگکوویست و سارجنت (۲۰۰۴)، مراجعه شود. شایان ذکر است یکی از دلایل اهدای جایزه ی نوبل اقتصاد کلان به سارجنت در سال ۲۰۱۱، بسط و توسعه ی الگوهای بازگشتی (Recursive) بوده است.

11 Aumann

۱۲ در کنار این مطالعه، مطالعه ی اونیل (۱۹۸۲)، از مطالعات پایه ای است که نحوه ی توزیع دارایی های را بر اساس آموزه های تلمود نشان می دهد پس از این مطالعات پایه و نطفه زا، جریان وسیعی از تولید علم در عرصه ی اقتصاد پولی و بانکی در تحلیل و تبیین روش شناسی قواعد تقسیم

ذکر شده در تلمود از نحوه‌ی توزیع دارایی و اموال فرد متوفی میان بدهکاران، ارتباط میان ارزش مال متوفی و میزان طلب طلبکاران را تبیین می‌کند. در واقع اگر، ارزش طلب، بیشتر و یا کمتر و یا برابر ارزش مال متوفی باشد، هرکدام به نتایج متفاوتی می‌رسد. وی مثال مطرح شده را در قالب نظریه‌ی بازی‌ها تبیین نموده و نشان می‌دهد که این روش توزیع دارایی‌های متوفی برقاعده‌ی ظروف به هم مرتبط در علم فیزیک است و کاملاً یک اصل علمی است. براین اساس، پیشنهاد می‌کند از این الگو - که از آن به عنوان قاعده‌ی CG<sup>۱۳</sup> نام می‌برد، می‌توان در توزیع دارایی‌های یک بانک ورشکسته استفاده نمود<sup>۱۴</sup>.

سرتل<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۲)، به تحلیل منافع پولی ناشی از چانه زنی در اقتصاد بر اساس مقایسه‌ی دو الگوی ریاضی پرداخته است. در این تحقیق فرض شده که دو نفر که مالک یک دارایی مالی هستند تصمیم می‌گیرند که در مورد تقسیم آن دارایی چانه زنی کنند. هر دو مذاکره کننده توان فروش دارایی در دو بازار با ارزش متفاوت را دارا می‌باشند ولی هیچکدام

نمی‌توانند در بازار مورد نظر فرد دیگر، دارایی را بفروشند. بر این اساس، به طور مثال اگر این دارایی در یک بازار به ارزش ۳ میلیون دلار و اگر در بازار دیگر ۱ میلیون دلار فروش رود، دو روش برای انجام توافق وجود دارد. یکی آنکه قبل از مبادله هر دو توافق کنند نیمی از دارایی را با هم تقسیم کنند و هر کسی جداگانه بفروشد. این مساله باعث می‌شود که منفعت هر کدام به ترتیب ۰/۵ و ۱/۵ میلیون دلار شود. حال اگر در روش دوم، تصمیم گرفته شود مسئولیت فروش کل دارایی را فردی که توان فروش دارایی در بازار ۳ میلیون تومانی را دارا باشد برعهده گیرد در اینصورت، کل دارایی ۳ میلیون دلار فروخته می‌شود و فردی که توان فروش دارایی را در بازاری به ارزش ۱ میلیون دلار می‌داند که اگر او بفروشد، سهم وی ۰/۵ میلیون دلار است. پس انتظار وی از معامله ۰/۵ میلیون دلار است. با دانستن این نکته فردی که قدرت فروش بیشتری دارد و از بازاری که بهای بیشتری برای کالا می‌دهد مطلع است، می‌داند پس از فروش کل دارایی و دادن ۰/۵ میلیون دلار به طرف دیگر، منفعت مابقی آن که ۲/۵ میلیون خواهد بود را عاید می‌شود. بنابراین، تمایل برای فروش کالا خواهد داشت. در واقع در روش اول، دارایی قبل از فروش تقسیم می‌شوند ولی در روش دوم، در ابتدا دارایی توسط یک فرد که اطلاع بیشتر و قدرت فروش بالاتر دارد فروخته می‌شود ولی به یک نسبت تقسیم نمی‌شود. این دو روش در قالب نظریه‌ی بازی‌ها و مساله چانه زنی، الگوسازی و به بی

پارامتریک متقارن و یا قواعد تقسیم پارامتریک نامتقارن دارایی و اموال ایجاد شده است که برای توضیح بیشتر به یانگ (۱۹۸۷) و (۱۹۸۸)، مولین (۲۰۰۰)، نامووا (۲۰۰۲)، هوکاری و تامسون (۲۰۰۳)، تامسون (۲۰۰۶)، چامبرز (۲۰۰۶)، کامینسکی (۲۰۰۶)، مراجعه شود.

### 13 Contested Garment

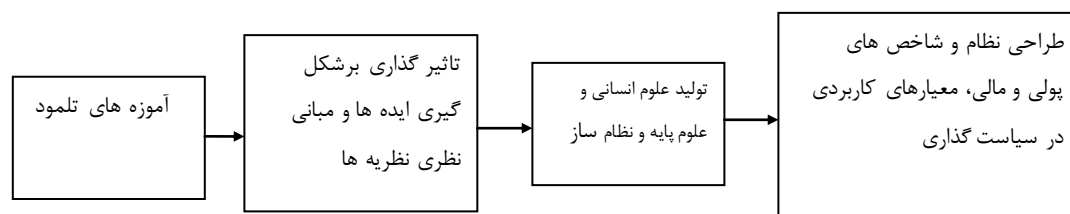
۱۴ شایان ذکر است از این الگو برای تخصیص آب رودخانه‌هایی که از مرزهای مختلف عبور می‌کنند، استفاده شده است. برای توضیح بیشتر به مینابادی و همکاران (۲۰۱۵) مراجعه شود. همچنین این مشکل، قابلیت حل مساله‌ی فرود در فرودگاه (Airport Landing Problem) یا مساله‌ی فرودگاه (Airport Problem) را دارا می‌باشد. این مساله، بیان می‌کند که چگونه هزینه‌ی باند‌های متعدد و متنوع فرود به هواپیماهایی که میزان استفاده‌ی یکسان از آنها ندارند، توزیع شود؟ برای توضیح بیشتر در خصوص پاسخ سوال که همان روش ارزش شیکلی (Shapley Value) است، به Littlechild and Owen (1973) مراجعه فرمایید. هدف از این روش امکان دقیق تر محاسبه‌ی قیمت بلیط هواپیما است. همچنین برای توضیح بیشتر در خصوص این ادعا که روش ارزش شیکلی قادر به حل مساله‌ی فرود، در فرودگاه در قالب یک نظریه‌ی بازی است، به آمَن (۲۰۱۰، ص: ۱۰) مراجعه شود.

شمار فرد تعمیم داده شده است. محقق مذکور نشان می‌دهد روش دوم مبتنی بر آموزه های تلمود است و نسبت به تعادل نش که حالت اول است، منافع بیشتری هم برای یک فرد دیگر و کل بازی به همراه دارد.

چوا (۲۰۰۸) به تحلیل نظریه‌ی حقوق نظام پولی<sup>۱۵</sup> بر اساس محتوای تلمود پرداخته است. در این تحقیق، شکل‌گیری نظام پولی بر اساس دو اصل پول مسکوک و پول اسمی یا پول حکمی، تعریف پول به عنوان تسریع کننده‌ی مبادله و پرداخت کننده بدهی، نقش مقام پولی و مقبولیت پول توسط مردم با استناد به شواهد موجود در محتوای تلمود بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که نظام پولی مورد نظر تلمود، مبتنی بر نظام پول فلزی غیرخارجی است و نظام پول اسمی مورد تایید نمی‌باشد. همچنین پول به عنوان عاملی برای انجام مبادلات و پرداخت کننده‌ی بدهی‌ها به حساب می‌آید و مقام پولی باید مقبولیت استفاده از نوع پول مورد استفاده را از جامعه بگیرد.

تامسون<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۳) به بسط تحقیق خود در سال ۲۰۰۳ که به تبیین روش‌های توزیع و ارزش گذاری دارایی در زمان ورشکستگی و بسط قاعده‌ی تلمود در توزیع دارایی های فرد ورشکسته بوده، می‌پردازد. قاعده‌ی تلمود برای توزیع دارایی فرد ورشکسته به این گونه است که اگر ارزش دارایی فرد ورشکسته حداقل برابر یا کمتر از میزان ارزش دارایی یکی از طلبکاران باشد، باید میزان ارزش دارایی فرد ورشکسته به نسبت مساوی میان طلبکاران توزیع شود. اگر ارزش دارایی فرد ورشکسته برابر میزان بدهی باشد به نسبت بدهی میان طلبکاران توزیع می‌شود. در این تحقیق، با استفاده از روش ریاضی آکزیوماتیک<sup>۱۷</sup> و نظریه‌ی بازی، اصول موضوعه‌ی ای چون عقلانیت، ناهمسانی، سازگاری، یکنواختی در رفتارهای مبتنی بر تخصیص دارایی به مدعیان گروهی و همچنین مساله‌ی عدالت مالیاتی، مدل‌سازی و از قاعده‌ی تلمود به عنوان یکی از قواعد معتبر در قاعده سازی الگوهای تخصیص دارایی و عدالت توزیعی نام برده می‌شود.

جمع بندی مطالعات مذکور گویای آن است که تلمود به عنوان کتاب دینی قوم یهود، در الگوسازی، شاخص سازی و نظام سازی پولی و مالی، نقش مهمی داشته و دارد. خصوصاً دانشمندان یهودی یا متأثر از تلمود، با تبیین و پردازش مثال‌ها در آیین یهود، اقدام به تولید محتوای علمی نظری در دانشگاه در قالب علوم پایه نموده‌اند و این فرآورده‌ها به علوم کاربردی (سیاست گذاری، تخصیص آب و توزیع هزینه باند فرودگاه و غیره) و نظام سازی هم سرایت کرده است.



نمودار(۱): شکل گیری دستاوردهای نظری و کاربردی تولید علم متأثر از تلمود(نتایج تحقیق)

15 The Monetary Legal Theory

16 Thomson

17 Axiomatic

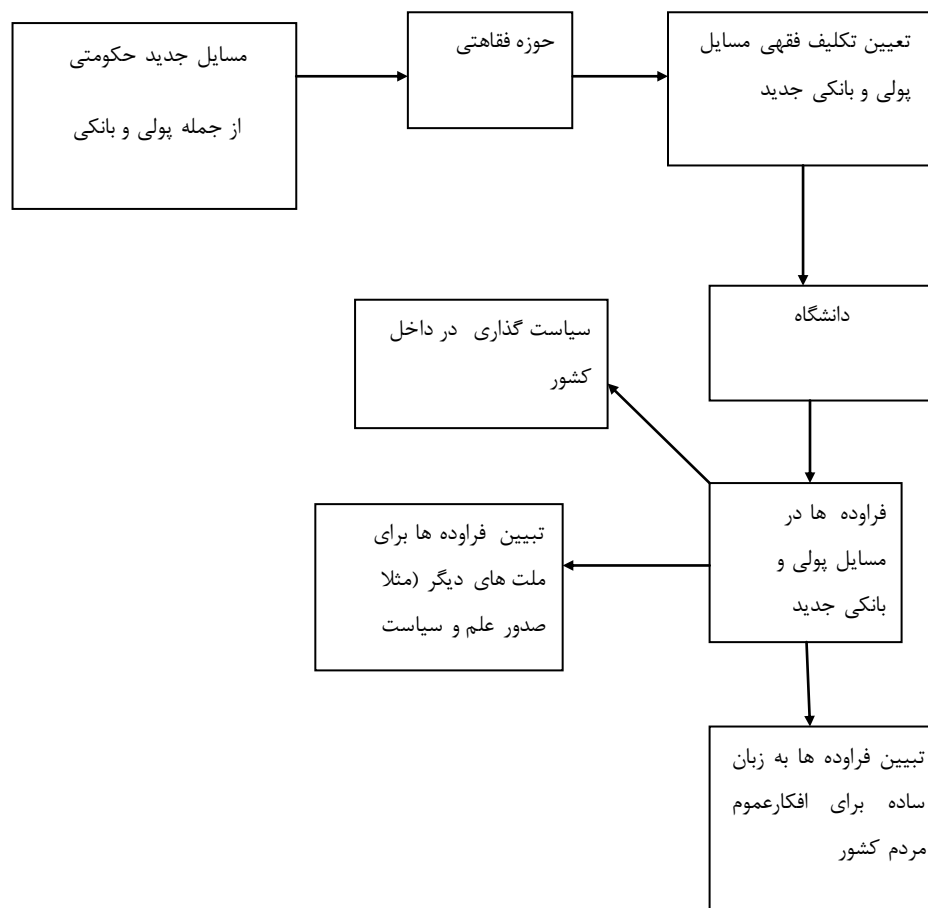
## ۲- ارتباط میان فقه و علم در حل مسایل نوین (از جمله پولی و بانکی) از منظر مقام معظم رهبری

اگرچه مقام معظم رهبری در طول سالیان متمادی به اسلامی کردن علوم انسانی، تحول و تغییر در اقتصاد توجه داشته‌اند اما یکی از سخنرانی‌های ایشان در سال‌های اخیر که می‌تواند مسیر تولید علم، تحلیل و تبیین مسایل در زمینه‌ی مسایل پولی و بانکی را آشکار نماید دیدار با اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری در مورخ ۹۰/۶/۱۷ است. دو فراز اصلی از سخنان ایشان تحلیل می‌شود. ایشان فرمودند:

"..... امروز مسائل تازه‌ای در زمینه‌ی پول و بانکداری وجود دارد؛ اینها را بایستی حل کرد؛ باید اینها را در بانکداری اسلامی - بانکداری بدون ربا - دید. چه کسی باید اینها را انجام بدهد؟ فقه متکفل این چیزهاست....." (مقام معظم رهبری، ۹۰/۶/۱۷). در جایی دیگر فرموده‌اند: "در قم باید درسهای خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نو به نو را که می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحث‌ها می‌آید دست روشنفکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیر دانشگاهی، اینها را به فرآورده‌هایی تبدیل می‌کنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت‌های دیگر قابل استفاده است" (مقام معظم رهبری، ۹۰/۶/۱۷). از دو فراز سخنرانی می‌توان چهار نکته‌ی مهم شامل مسایل جدید حکومتی، فقه، تعامل فقه با دانشگاه (تولید علم) و محصول تعامل فقه با دانشگاه (فرآورده‌ها)، اشاره نمود. در واقع اگر فرآورده‌های تعامل فقهی با دانشگاه را محصول و خروجی و ورودی را مسایل جدید حکومتی از جمله مسایل پولی و بانکی جدید و مستحدث، به عنوان ورودی در نظر گرفته شود، این خروجی یا فرآورده می‌تواند دارای سه ویژگی باشد:

اول آنکه باید برای افکار عمومی باشد. دوم آنکه برای افکار دانشجویان باشد و سوم برای افکار ملت‌های دیگر قابل استفاده باشد. از آنجا که از منظر مقام معظم رهبری، جدایی دین از سیاست ممکن نیست، فرآورده‌ها باید در عرصه‌ی سیاست گذاری هم مورد استفاده قرار گیرند. عبارت زیر تبیین رهبری از عدم جدایی دین از سیاست از منظر فقه است. "فکر وحدت دین و سیاست را، هم در تفقه و هم در عمل دنبال بکنید. آقایان بدانند که فکر جدایی دین و سیاست، به عنوان یک آفت، بکلی ریشه‌کن نشده است. متأسفانه هنوز در حوزه‌ها کسانی هستند که خیال می‌کنند حوزه باید به کار خودش مشغول بشود، اهل سیاست و اهل اداره‌ی کشور هم مشغول کار خودشان باشند؛ حداکثر این که با هم مخالفتی نداشته باشند! اما این که دین در خدمت اداره‌ی زندگی مردم باشد و سیاست از دین تغذیه بکند، هنوز در بعضی از اذهان درست جا نیفتاده است. ما بایستی این فکر را در حوزه ریشه‌دار کنیم؛ به این شکل که هم فقهت را این‌طور قرار بدهیم، و هم در عمل این‌گونه باشیم. یعنی چه؟ یعنی استنباط فقهی، بر اساس فقه‌ی اداره‌ی نظام باشد؛ نه فقه‌ی اداره‌ی فرد (مقام معظم رهبری، ۳۱/۰۶/۱۳۷۰)". همانطور که مشاهده می‌شود در تحلیل مسایل پولی و بانکی جدید کشور، باید به چند نکته توجه شود. اول آنکه مسیر موضوعات باید از مسیر فقه گذر کند، در گام اول، فقه متولی ورود به مسایل نوین پولی و بانکی است. یعنی فقه عهده‌دار تعیین تکلیف مسایل پولی و بانکی است. البته لازم است میان جایگاه حوزه فقهت و عرصه‌های کارشناسی بانکداری اسلامی تمایز قایل شد. "حوزه فقهت، حکم ثابت، قانون و ضوابط اسلامی است که از منابع دینی به روش فقهت و اجتهاد برای همه زمان‌ها و مکان‌ها استنباط می‌شود"، مواردی چون ممنوعیت ربا، غرر، اکل مال به باطل در بانکداری اسلامی از مصادیق حوزه‌های فقهت است (موسویان، ۱۳۸۲، ص: ۷۲). ولی حوزه‌های کارشناسی مانند مالکیت و مدیریت بانکی عرصه‌های متغیر و غیر ثابتی است. مبنای تشخیص برای عرصه‌ی کارشناسی و فقهت می‌تواند "اصاله

البرائه " باشد. یعنی تا زمانی که ادله‌ی فقهی در مورد موضوع کارشناسی مورد نظر نیافتیم، مثلا بانکداری خصوصی یا دولتی، می‌توان هم بانکداری دولتی و هم خصوصی را پذیرفت. زیرا شرعا منعی در پذیرش یا رد آنها وجود ندارد. (همان، ص: ۸۰). بنابراین، این نکته بدان معنا نیست که دانشگاه در خصوص مسایل پولی و بانکی جایگاهی ندارد، اما بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری در ابتدا باید وجوب و حرمت موضوع از نظر فقهی تبیین شود. به عبارتی دانشگاه در تعیین تکلیف وجوب و حرمت یک مساله‌ی مستحدثه باید به فقه توجه نماید. مثلا اگر ساز و کار خلق پول بر اساس نرخ ذخیره جزیی، از منظر فقهی، مصداق اکل مال به باطل تشخیص داده شود و حکم بر حرمت آن باشد نمی‌توان ضریب فزاینده را بر اساس ادله و روش های علمی استخراج و در نظام بانکداری مورد استفاده قرار داد. اما در گام دوم، دانشگاه‌ها متولی تبیین و تولید علم بر اساس مباحث فقهی هستند. در گام سوم، دانشگاه، باید بتواند محصولاتی جهت سیاست گذاری، تولید علم و تبیین مسایل در سطح ملی و بین المللی داشته باشد. به طور کلی می‌توان الگوی مفهومی زیر را جهت ارتباط جایگاه فقه و علم در تولید و تبیین مسایل پولی و بانکی استخراج نمود.



نمودار(۲): ترسیم جایگاه فقه و علم و سیاست از منظر مقام معظم رهبری (منبع: نویسنده)

مقایسه‌ی نمودار(۱) در بخش قبل با نمودار(۲) نشان می‌دهد که دغدغه‌ی دانشمندان یهودی در تولید علم دینی متأثر از کتاب دینی خود(تلمود) است. در این حالت، تلمود، به عنوان یک کتاب دینی، تاثیر گذار در تولید علم است.

اما

بر اساس نمودار (۲)، مشاهده می‌شود که دغدغه تولید علم دینی در نزد مقام معظم رهبری نیز متأثر از نگاه جدیدی به فقه (فقه حکومتی) و بهره‌گیری از روش‌های جدید استنباط فقهی است. به عبارتی، رویکرد فقه حکومتی، نوعی ظرفیت‌سازی در تولید فرآورده‌های علمی است که انسجام آنها با فقه ناگسسته شده و ظرفیت نظام‌سازی در این رویکرد تقویت می‌شود.

اما نکته‌ی مهم آن است که در نمودار (۲)، منظور مقام معظم رهبری از فقه چیست؟ آیا همین فقه سنتی است؟ در ادامه برخی دیدگاه‌ها جهت تعامل میان فقه و بانکداری اسلامی تحلیل می‌شود.

### ۳- ارتباط میان فقه و تولید علم و سیاست

با توجه به نمودار (۲)، مشاهده می‌شود که ارتباط میان علم و فقه مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است و این ارتباط قابل‌تعمیم به مسایل مستحدثه نیز خواهد بود. البته این مساله به این معنا نیست که این‌الگو و سایر الگوها و دیدگاه‌های دیگر که در این بخش اشاره می‌شود، جای نقد و تحلیل بیشتر ندارد، بلکه، هدف این مقاله، اولاً استخراج و تبیین اولیه‌ی الگویی از اندیشه‌ی رهبری در زمینه ارتباط میان علم و فقه است و ثانیاً نشان دهد که ارتباط دین و علم در خصوصاً تلمود خود از یک الگوی مشخصی پیروی می‌کند. براین اساس قطعاً گام‌های بعدی، نقد این الگو، دیدگاه‌ها و الگوهای دیگر مرتبط و همچنین دستاوردهای این مقاله خواهد بود که خود نیازمند مطالعات دیگر است.

### ۳-۱- فقه نظریات

موضوع فقه متعارف، افعال مکلفین است، درحالی که موضوع فقه نظریات، قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف، به دنبال تحصیل حجت است. در حالی که محقق فقه نظریات، به دنبال کشف خطوط کلی حاکم بر احکام به ظاهر متفرق است (آقا نظری و خطیبی، ۱۳۹۲ و ص: ۹). در فقه نظریات، در ابتدا، محقق فرضیه را بیان می‌دارد. سپس احکام مرتبط و همسو را استخراج و در مرحله‌ی آخر به تحلیل و ترکیب احکام پرداخته تا نظریه استخراج شود. فقه نظریات به دنبال بیان وظیفه افراد در مقام عمل نیست تا بحث از حجیت لازم باشد. محقق فقه نظریات، به دنبال کشف سیستم و نظام است. کشف سیستم متوقف بر حجیت نیست. همین مقدار که ثابت شود سیستم مکشوف در چارچوب اسلام است، کفایت می‌کند. با توجه به اینکه فتاوی مورد استفاده در کشف سیستم از طریق اجتهاد صحیح استخراج شده اند و دارای انسجام و هماهنگی هستند، ولی امر میتواند زیربنا را از آنها کشف کرده و آن را به اسلام نسبت دهد. (همان، ص: ۱۹).

### ۳-۲- رویکرد استنباط کلان سیستمی اسلامی

در این رویکرد تأکید می‌شود که نظام‌سازی اسلامی نیازمند تکیه بر ضوابط و احکام و روابط کلان سیستمی اسلامی است. در این رویکرد، تحلیل و استنباط‌های فقهی به صورت سنتی و جزئی نگر نیست، بلکه منظور از فقه، فقه کل



نگر، فقه سیستمی و فقه جامع است. مثلاً اگر به دنبال طراحی نظام مالی اسلامی باشیم، ابتدا اصول بنیادین نظام مالی اسلامی بر اساس اصول تکوینی تشریحی تشریح و بعد قواعد عام و معیارهای اصلی را مطرح می‌کنیم. سپس به سیاستهای راهبردی مناسب برای اجرایی ساختن اصول و موازین می‌رسیم. یعنی تعیین فرآیندها، ساختارها و ساز و کارهایی

می‌توانند اهداف نظام مالی را در سطوح مختلف برآورده کنند. مرحله بعدی اقدامات اجرایی است. یعنی وقتی سیاست و ساز و کارها مشخص شد، بحث دستورالعمل‌ها، قراردادهای و ترتیبات نظارتی را دنبال کنیم. بر این اساس اگر بر اساس اصول تکوینی تشریحی، یک نظام بانکی باید بر اساس عدالت رفتار کند، با نگاه سیستمی، باید تعریف دقیق و مشخصی از عدالت بر اساس آیات و روایات ارائه شود که در این عرصه از علم اقتصاد و بانکداری اسلامی می‌توان بهره جست.

همچنین، در این رویکرد، فقهی که نظام شناس است بر فقهی که نظام شناس نیست، در تقلید مرجع است (عیوضلو، ۱۳۹۳، صص ۱۳-۵). زیرا باید میان گزاره‌های مرتبط با مکتب و نظام تمایز قایل شد. گزاره‌های مکتبی اقتصاد اسلامی کاملاً وابسته به دین اسلام اند، اما در حوزه‌ی نظام سازی چنین نیست. گزاره‌های این حوزه، نظریه‌های تغییر دهنده‌ی روند متغیرهای اقتصادی از وضع موجود به سمت مطلوب را ترسیم می‌کنند و نه لزوماً در عرصه‌ی اثبات‌گرایی اقتصاد متعارف در حد توجیه وضع موجود می‌ماند و نه نشان دهنده‌ی وضعیت مطلوب اند. (عیوضلو، ۱۳۷۹، صص ۱۶۰-۱۵۵)

در واقع در صورت توجه به رویکرد سیستمی به فقه می‌توان به نظریه‌ها و نظام‌های مورد نیاز یک جامعه اسلامی دست یافت. شرط تحقق این رویکرد، آن است که فقیه در استنباط نیازمند اشراف به حوزه‌های کارشناسی نیز خواهد بود.

### ۳-۳- دیدگاه آیت اله حائری شیرازی

در کتاب "پول رایج جهانی و پول اسلام" آیت اله حائری شیرازی، ارتباط فقه متعارف در مسایل بانکداری اسلامی را بسیار سطحی و ناکارآمد بر شمرده اند. ایشان صراحتاً می‌فرمایند "ما در مدت محرومیت از پول اسلامی، نزدیک به چهل سال است که همان محتوای زشت ربا را با روکشی از فقه اسلامی داریم تجربه می‌کنیم" (حائری شیرازی، ۱۳۹۴، ص: ۱۶). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند، "فقاهاست این نیست که بعد از بیست سال درس حوزوی، روش حلال کردن این امور آموخته شود، فقیه باید در حدی که تصدیق و تکذیب بلا تصور نکرده باشد موضوع را بشناسد". (همان، ص: ۲۶). همچنین عبارت دیگری از ایشان وجود دارد که بیان می‌دارند مقوله پول، حوزه‌ی فقهات و نه حوزه‌ی کارشناسی است. بنابراین، در ابتدا، فقیه باید در زمینه نوع پول، تعیین و تکلیف نماید. "بحث پول چیزی نیست که کارشناس بتواند آن را حل کند، زیرا از موضوعات فقیه است و فقیه باید احکام آن را استنباط نماید" (همان، ص: ۴۰).

همانطور که مشاهده می‌شود ضرورت ارتباط میان علم و فقه در عرصه‌ی پولی و بانکی از منظر اسلام، نگاه سیستمی است که با رویکرد جزئی‌نگری در تضاد قرار می‌گیرد. بنابراین، برای تحقق تحلیل‌های فقهی نظام ساز در عرصه‌ی بانکداری اسلامی باید فقه حکومتی مبتنی بر رویکردهای اجتهاد به صورت سیستمی باشد. اگر چه فقه حکومتی و کلان نگر، فقهی نوپاست و هنوز نتوانسته جای پای خود را باز کند، در ادامه سعی می‌شود رویکردهای متعارف به فقه حکومتی در قالب روش‌شناسی فقه حکومتی در تحلیل مسایل مستحدثه تبیین و تحلیل گردد.

#### ۴- روش شناسی فقه حکومتی در تحلیل مسایل مستحدثه

اگر چه تعریف مشخصی از علم در صحبت‌های مقام معظم رهبری صورت نگرفته، اما ایشان، بر نوع علم بیشتر تاکید داشته‌اند. به گونه ای که به اهمیت نظریه پردازی و بومی سازی در علوم انسانی بیشتر تاکید شده است (دیدار با نخبگان جوان، ۸۵/۶/۲۵، دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه های شیراز، ۸۷/۲/۱۴، دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه های کردستان، ۸۸/۲/۲۷). بنابراین، بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، منظور از علم در این مقاله را می توان به صورت عام، به علوم انسانی و به صورت خاص بانکداری اسلامی نسبت داد. اما در خصوص فقه، دیدگاه ایشان چیست؟

فقیهان، از فقه، به "علم به احکام شرعیه از روی ادله تفصیلیه" یاد کرده اند، که در واقع فقه اسلام، مقررات اداره زندگی مردم است (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی، ۸۲/۳/۱۴).

در کلام مقام معظم رهبری، فقه از حیث واژه به معنای درک و شناخت آمده و در اصطلاح با عباراتی چون فهم دین (۶۲/۱/۲۹)، معرفت دینی (۶۶/۱/۵)، شناخت دین (۶۶/۴/۳۰) یا دانش فهم اسلام (۶۳/۲/۱۹) تعریف شده است. در واقع ایشان با توجه به نیاز جامعه و حکومت به فقه که حکومت را فلسفه‌ی عملی فقه نامیده بوده اند، در سخنرانی (۸۲/۳/۱۴)، فقه را مقررات اداره‌ی زندگی مردم نامیدند (مشکاتی سبزواری و مشکاتی سبزواری، ۹۰، ۵۷). به عبارتی، فقه مورد نظر ایشان متمایز از فقه سنتی است. همچنین از آنجا که در سخنرانی مورخ ۹۰/۶/۱۷ به فقه حکومتی اشاره شده است، دغدغه‌ی معظم له، فقهی متفاوت از فقه موجود است و آنهم فقه حکومتی است. در واقع آنچه می تواند پیوند دهنده‌ی فقه با مباحث دانشگاهی در عرصه‌ی مسایل پولی و بانکی نوین باشد و فرآورده های مشخصی هم به همراه داشته باشد، فقه حکومتی است که در ادامه به تبیین بیشتر این واژه در تحلیل مسایل نوین پولی و بانکی پرداخته می‌شود.

فقه حکومتی، نگرش کلی نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین است. در فقه حکومتی، رویکرد فقه فرد محور، کنار گذاشته می شود. بدین معنا که فقیه در مقام استنباط احکام شرعی، اجرای احکام، در بستر نظام حکومتی اسلامی را به عنوان نهاد اداره جامعه، مدنظر قرار می دهد (ذوالفقاری و سیدیان، ۱۳۹۱، ۴۹).

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی با محوریت فقه شیعه، بسیاری از ظرفیتهای بالقوه و بالفعل فقه؛ مانند فقه حکومتی در سایه مبانی مکتب فقهی امام خمینی (قدس سره) به رشد و توسعه مناسبی، دست یافت. امام خمینی (قدس سره) با نگرش فراشمول به فقه، احتساب حکومت به عنوان فلسفه عملی فقه، ارائه نظریه ولایت مطلقه فقیه، تأکید بر مؤلفه‌هایی، مانند مصلحت، زمان و مکان، حکم، جایگاه فقه حکومتی در فقه شیعه، آن را توسعه داده اند (ایزدی، ۹۱، ۵۷). در ادامه، رویکردهای مختلف به فقه حکومتی بیان و تبیین می شود.

#### ۴-۱- رویکرد اول<sup>۱۸</sup> (فقه احکام مبتلابه حکومت)

در این رویکرد، فقه حکومتی، یعنی بخشی از احکام مانند دیات، قصاص، قضا و جهاد که اجرای آن بر عهده حکومت است. در این حالت، مکلف، خود فرد است و فقیه، مسولیتی در عمل ندارد. در این حالت، فقیه، صرفاً از منظر نظری حکم می‌دهد و در عمل و اجرای آن دخالتی ندارد. بنابراین، در خصوص مسایل مستحدثه پولی و بانکی، فقیه صرفاً بر اساس رویه‌های استنباط عادی فقهی، رای به وجوب یا حرمت می‌دهد.

#### ۴-۲- رویکرد دوم (استنباط مبتنی بر رویکرد حکومتی)

در این رویکرد، فقیه در مقام استنباط، بر اساس مصالح حکومت اقدام به فتوا می‌کند. مثلاً در خصوص وجوب نماز جمعه به سبب حفظ اقتدار حکومت رای به وجوب در شرکت نماز جمعه می‌دهد. بنابراین، اگر یک مساله‌ی نوین پولی و مالی باعث اقتدار اقتصادی حکومت (بهبود تولید و کاهش بیکاری و افزایش صادرات) شود، حکم بر وجوب آن است. تفاوت این رویکرد با رویکرد دوم آن است که در رویکرد اول، فقه حکومتی به عنوان ابوابی از فقه مطرح می‌شود و در واقع تمایزی با فقه سیاسی ندارد اما در رویکرد دوم، نحوه‌ی استنباط متمایز می‌شود و در واقع، روش شناسی استنباط متمایز با رویکرد اول می‌گردد.

#### ۴-۳- رویکرد سوم (ناظر به اجرا و حل تراحمات احکام)

در این رویکرد، فقه حکومتی، فقه حل تراحمات در مقام اجرای فقه است. به طور مثال، در مقام اجرا، برای توسعه شهری، باید حدود و اختیارات مالکیت فردی را محدود نمود. اینکه توسعه‌ی شهری اهم است یا حق مالکیت شهروندان، برعهده‌ی فقه حکومتی خواهد بود. بر این اساس، فقیه خود در مقام کارشناسی و اجرا قرار می‌گیرد. این رویکرد زمانی محقق می‌شود که در نظام، امکان تربیت مجتهدهایی با گرایش‌های تخصصی و یا متجزی در عرصه‌ی مسایل نوین فراهم شده باشد. بنابراین، در این رویکرد به فقه حکومتی، کارشناس مسایل نوین و مستحدثه، خود مجتهد است.

#### ۴-۴- رویکرد چهارم (احکام الزامی حاکم در منطقه الفراغ)

این دیدگاه متأثر از دیدگاه شهید صدر به منطقه الفراغ است. «منطقه الفراغ» به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام موضوعات و عناوین می‌تواند متغیر باشد و شارع وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی‌امر گذاشته است. در این

۱۸. لازم به ذکر چهار رویکرد فقه حکومتی مبتنی بر دیدگاه آیت الله الاسلام و المسلمین میر باقری در درس خارج فقه ایشان در سال ۹۱ بوده که در سایت توسط فرهنگستان علوم اسلامی قم ([www.isaq.ir](http://www.isaq.ir))، بارگزاری شده است اما تحلیل‌های مرتبط با تبیین آن توسط نویسنده ارائه شده است.

خصوص، نقش ولایت فقیه در حکم به وجوب یا حرمت، حرف آخر است که در چارچوب احکام متغیر شکل می‌گیرد. (حکمت نیا، ۱۳۸۱، ص:۳). بنابراین، بر اساس دیدگاه شهید صدر(ره)، در این رویکرد، استنباط بر اساس انطباق احکام به نظام و نه یک موضوع خاص است. بر این اساس، حکم حاکمیتی در خصوص یک مسأله مستحدثه مستقیماً توسط ولی فقیه اعمال می‌شود.

#### ۴-۵- نقش رویکردهای مختلف به فقه حکومتی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

با توجه به رویکردهای اهمیت مشخص شدن این رویکرد ها در تحقق سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان می‌شود. به طور مثال، اگر رویکرد اول، به فقه حکومتی را بپذیریم، چون فقه فقیه در مقام بیان حکم وارد می‌شود و نه در اجراء، در ساختارهای اجرایی از جمله ساختارهای بانک مرکزی و بانک های تجاری و بورس و اوراق بهادار و دستگاه های اجرایی لزوماً اثری از نظارت فقهی احساس نمی‌شود. این موضوع ضمانت تحقق مفاد الگو را با مشکل روبرو می‌کند. با پذیرفتن رویکرد دوم به فقه حکومتی، روش شناسی استنباط متمایز با رویکرد اول می‌گردد. در این مرحله فقیه تاکید و توجه بیشتری به شرایط و اقتضائات جامعه دارد. در رویکرد سوم، فقیه خود کارشناس در بخشی از دانش و امور اجرایی است. رویکرد دوم و سوم نوعی ضرورت آموزش مکانیزیم استنباط و تربیت مجتهدان نظام با تخصص های فقهی و علوم متربط با نظام را می‌طلبد. در رویکرد چهارم در خصوص، باید اولویت مسایل اصلی نظام، مشخص شود و حکم ولی فقیه در این مسایل نسبت به حکم هر مجتهد دیگری اولی باشد. اما در خصوص سایر امور مستحدثه که از اولویت کمتری برخوردارند مسأله متمایز می‌شود.

بر این اساس مشاهده می‌شود که رویکردهای مختلف به فقه حکومتی می‌تواند بر سمت و سو و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تاثیر گذار باشد. به طور مثال در مبانی دین شناختی بیان شده که "اسلام در چارچوب مبانی و اصول ثابت و پایدار و بر مبنای اجتهاد در عرصه های اعتقادی، اخلاقی و شریعت و .....توان پاسخ گویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی را دارد". بنابراین، جهت گیری در خصوص نوع اجتهاد و جهت دهی به سند و خصوصاً تدابیر، معطوف به رویکردهای مختلف در فقه حکومتی خواهد بود.

#### ۵- جمع بندی و پیشنهادات

عدم توجه به راهکاری روشمند در تحلیل و تبیین مسایل نوین، علی رغم ظرفیت های بالای علمی و فقهی در کشور، منجر به تحلیل و تبیین هایی صرفاً مصرفی و مقلدانه از غرب می‌شود که لزوماً سازگار با روح تمدن اسلامی ایرانی پیشرفت نخواهد بود. با گسترش ابعاد نظام سازی تمدن غرب بر اساس آموزه های تلمود، در صورت عدم طراحی الگویی بومی مناسب و روش مند، حرکت به سمت تمدن سازی اسلامی میسر نخواهد شد. لذا آنچه می‌تواند یک ابزار روش شناسی دقیق و نظام ساز باشد فقه حکومتی است.

بر اساس اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، نشان داده شد که تحلیل مسایل مستحدثه‌ی نظام، نیازمند وجود الگویی تعاملی میان دانشگاه و حوزه‌ی فقه است؛ به گونه‌ای که ارتباط میان آن دو در طول یکدیگر اند. در ابتدا، در عرصه فقه، باید با توجه به رویکردهای مختلف به فقه حکومتی، مسایل مستحدثه، در قالب مباحث فقه حکومتی تبیین و پاسخ داده شود. سپس دانشگاه مباحث مذکور را به فرآورده‌های قابل استفاده برای مردم و سیاست‌گذاری و تولید علم تبدیل نماید. مسلماً همگرایی در رویکردهای متعارف به فقه حکومتی می‌تواند منجر به همگرایی مطالعات علمی و فقهی، بهبود محتوای آموزشی، پژوهشی و ارتقای سیاست‌گذاری در عرصه‌ی تولید علم و سیاست‌گذاری در کشور و تدوین فرآورده‌های کاربردی جهت تبیین افکار عمومی مردم، ملت‌ها، دانشجویان و فرهیختگان شود.

الگوی آموزشی و پژوهشی جهت تربیت اساتید و مجتهدان سازگار با الگوی مذکور در دو حالت (یکی حالت گذر از وضع موجود به وضع ایده آل و دیگری حالت ایده آل) و نهادینه‌سازی آن در عرصه‌ی دانشگاه و حوزه‌های علوم اسلامی، نیازمند مطالعات دیگر است. همچنان پیشنهاد می‌شود رشته‌ای تحت عنوان فقه حکومتی در کنار رشته‌های علوم انسانی با گرایش مختلف علوم انسانی ایجاد تا گام‌های تحول در علوم انسانی اسلامی را با نگاه مقام معظم رهبری تسریع نماید. فعال‌سازی و راه‌اندازی گرایش‌های تخصصی از آن رشته در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری با عنوان‌هایی مانند فقه حکومتی-گرایش پول و بانکداری اسلامی داخلی و بین‌الملل و غیره پیشنهاد می‌شود.

همچنین لازم است در ابتدا رویکرد مطلوب به فقه حکومتی در قالب چندین نشست خبری به بحث گذاشته شود و تمام بخش‌های سند بر اساس رویکرد تصویب شده به فقه حکومتی مورد بازنگری قرار گیرد. در این خصوص در جهت ارتقای محتوای سند، پیشنهاد می‌شود در سند مبانی دین‌شناختی در کنار واژه انعطاف‌پذیر فقه اسلامی، فقه حکومتی اضافه شود. در جهت تکمیل بخش تدابیر سند، پیشنهاد می‌شود بندهای زیر اضافه شود.

"تبیین فقه حکومتی در تولید علوم اسلامی خصوصاً علوم انسانی اسلامی".

"نظریه پردازی در عرصه فقه حکومتی جهت دست‌یابی به الگوی بومی حکمرانی اسلامی".

"طراحی ساختارهای سیاسی مانند انتخابات شورا، ریاست جمهوری و غیره بر اساس مبانی فقه حکومتی"

"طراحی نهادهای پولی و مالی اقتصادی کشور خصوصاً بانک مرکزی، بانکها، سازمان بورس و اوراق بهادار کشور در چارچوب مبانی و راهبردهای فقه حکومتی".

## منابع

- آقا نظری، حسن؛ خطیبی، مهدی (۱۳۹۲)، روش شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره دوم، پیاپی ۸، ۲۸-۵.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۱)، "امام خمینی و ارتقاء جایگاه فقه حکومتی"، حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان ۹۱، پیاپی ۶۴.
- بخشی دستجردی، رسول؛ دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۱)، آسیب شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف، دانشگاه یزد، چاپ اول.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه ی آن با نظام سرمایه داری، توانگران، چاپ اول.
- حائری شیرازی، محمد صادق (۱۳۹۴)، پول رایج جهانی و پول اسلام، در دست چاپ.
- حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۱)، تبیین نظریه «منطقه الفراغ»، اقتصاد اسلامی، شماره ۸.
- ذوالفقاری، محمد و سیدیان سیدمهدی (۱۳۹۱)، "فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی، چگونگی"، معرفت سیاسی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۱-۶۷-۴۹.
- سوزنچی، حسین (۱۳۹۳)، علم دینی، امکان یا امتناع، اندیشکده ی برهان.
- عیوضلو، حسین (۱۳۷۹)، مبانی روش شناسی و ساختار نظریه های علمی اقتصاد اسلامی، فصلنامه ی پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۱ و ۱۲، ۱۶۲-۱۴۳.
- عیوضلو، حسین (۱۳۹۳)، فرایند نظام سازی بر اساس مبانی استنباط کلان سیستمی اسلامی (بحث تطبیقی: اقتصاد و بانکداری اسلامی)، یازدهمین نشست اندیشه ورزی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی، مشکانی سبزواری، عبدالحسین (۱۳۹۰)، "درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)"، حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۹۰، پیاپی ۶۰.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۲)، حوزه های فقهی و عرصه های کارشناسی بانکداری اسلامی، ۳، ۹۱-۶۹.
- موسویان، سید عباس (۱۳۹۰)، طرح تحول نظام بانکی، اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول.
- مقام معظم رهبری، ۶۲/۱/۲۹، سخنرانی در دیدار ائمه جماعات استان تهران، (<http://www.leader.ir>).
- ۷۰/۶/۳۱، بیانات در آغاز درس خارج از فقه، (<http://www.leader.ir>).
- ۸۲/۳/۱۴، بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، (<http://www.leader.ir>).

۱۳۸۸/۷/۲۸، دیدار با بانوان قرآن پژوه، (<http://www.leader.ir>).

۹۰/۶/۱۷، دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، (<http://www.leader.ir>).

میرباقری، سید محمد مهدی، مبانی، ۱۳۹۱، فقه حکومتی، مجموعه ی مباحث درس خارج فقه، فرهنگستان علوم اسلامی قم.

-Aumann, Robert, j. (1982). "Game Theory in the Talmud, Research bulletin Series on Jewish Law and Economics", Institute of Mathematics, Center for rationality and Interactive Decision Theory, and Department of Economics, the Hebrew University in Jerusalem.

-Aumann, Robert, j & Maschler, Michael. (1985). "Game Theoretic Analysis of a bankruptcy Problem from the Talmud", Journal of economic 36, 195-213.

Aumann, Robert J. (2010). "Some non-superadditive games, and their Shapley Values", in the Talmud, Int J Game Theory, 39:3-10.

Chambers, C. (2006). "Asymmetric rules for claims problems without homogeneity", Games, economic behavior, 54(2), 241-260.

Geva, Benjamin. (2008). "The Monetary Legal Theory Under the Talmud", 55 RIDA (Revue Internationale Des Droits de l'Antiquité), 13-38.

Hokari, T, Thomson, W. (2003). "Claims problems and weighted generalizations of the Talmud rule", Economic Theory 21, 241-261.

Kaminski, m. (2006). "Parametric rationing", Games eco, behave. 54(1), 115-133.

Littlechild SC, Owen G. (1973). "A simple expression for the Shapley value in a special case", Manag Sci 20, 370-372.

Mianabadi, Hojjat & Mostert, Erik & Pande, Saket & de Giesen Nick van. (2015). "Weighted Bankruptcy Rules and Transboundary Water Resources Allocation", Water Resour Manage 29, 2303-2321.

Moulin, H. (2000). "Priority rules and other asymmetric rationing methods", Econometrica, 68, 643-684.

Naumova, N. (2002). "Nonsymmetrical equal sacrifice solutions for claim problem", Math, Soc. Sci, 43(1), 1-18.

O'Neill, B. (1982). "A problem of rights arbitration from the Talmud", Math, Soc, Sci 2(4), 345-371.

Patinkin, Don. (1965). Money, Interest and Prices, Harper and Row publishers, Second edition.

Sertel, Murat R.(1992). "The Nash bargaining solution manipulated by pre-donations is Talmudic", *Economics Letters* 40 , 45-55.

Shapira,Ron,A.(1999). "Fuzzy measurement in the Mishnah and the Talmud", *Artificial Intelligence and Law* 7: 273–288 .

Sargent, Thomas J. Ljungqvist, Lars.(2004).*Recursive Macro economic Theory*, Massachusetts Institute of Technology, Second edition.

Thomson, William.( 2۰۰3). "Axiomatic and game-theoretic analysis of bankruptcy and taxation problems: a survey", *Mathematical Social Sciences* 45(3), 249–297.

Thomson, William.( 2۰13). "Axiomatic and game-theoretic analysis of bankruptcy and taxation problems: an update", *Rochester Center for Economic Research, Working Paper No. 578*,

Thomson, William .(2006). "How to divide when there isn't enough :From the Talmud to game theory", manuscript, University of Rochester.

Young, H.(1987). " On dividing an amount according to individual claims or liabilities, *Math*", *ope,Res*,12,398-14.

Young, H.(1988). " Distributive Justice in Taxation", *Journal of economic Theory*,44(2),321-335.